

آنچه فرا فروش کرده اند در مدرسه به شما نیا موزند

مدرسه زندگی

آلن دوباتن

ترجمہ: نوشین تاجیک



-
- سرشناسه : دوباتن، آلن، ۱۹۶۹ - م. De Botton, Alain
- عنوان و نام پدیدآورنده : آنچه فراموش کرده‌اند در مدرسه به شما بیاموزند/ آلن دوباتن ؛ مترجم نوشین تاجیک.
- مشخصات نشر : انتشارات پویان ۱۴۰۰.
- مشخصات ظاهری : ۱۳۰ ص مصور (رنگی) ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س م.
- شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۸۳۴۹-۷۸-۵
- وضعیت فهرست نویسی : فیا
- یادداشت : عنوان اصلی: What They Forgot To Teach You At School: Essential emotional lessons needed to thrive, 2021.
- موضوع : راه و رسم زندگی، Conduct of life، زندگی -- جنبه‌های روانشناسی، Psychological aspects Life --
- شناسه افزوده : تاجیک، نوشین ۱۳۶۴، مترجم
- رده‌بندی کنگره : F ۶۳۷
- رده بندی دیویی : ۱۵۸/۱
- شماره کتابشناسی ملی : ۸۶۷۴۴۸۲
-



آنچه فراموش کرده‌اند در مدرسه به شما بیاموزند

مدرسه زندگی (آلن دویاتن)

مترجم: نوشین تاجیک

چاپ: کامیاب

چاپ دوم: ۱۴۰۳

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۳۴۹-۷۸-۵

انتشارات یوبان

تلفن: ۰۹۱۹۰۲۶۷۸۴۲-۰۹۱۵۵۷۱۸۲۷۷

قیمت: ۱۱۰۰۰۰ تومان

فهرست

مقدمه

۱. سوطن به مدرسه
۲. شما نیازی به اجازه ندارید.
۳. هیچ کس اهمیت نمی دهد.
۴. هیچ کس نمی داند.
۵. دوران کودکی خود را درک کنید.
۶. خودتان را دوست داشته باشید.
۷. دیگران بسیار شبیه شما هستند.
۸. مهربان باشید.
۹. تعمیر روابط
۱۰. خلق و خوی خود را مدیریت کنید.
۱۱. به بزرگسال درون خود گوش دهید.
۱۲. بلوغ عاطفی را هدف بگیرید.
۱۳. بیشتر خودخواه باشید.
۱۴. بی خیال مردم شوید.
۱۵. شریک زندگی خود را با دقت انتخاب کنید.
۱۶. در قرار ملاقات هایتان انعطاف پذیر باشید.

۸ ○ آنچه فراموش کرده‌اند در مدرسه به شما بیاموزند

۱۷. همیشه یک نقشه‌ی شماره ۲ وجود دارد.

۱۸. وقت کم است.

۱۹. رها شوید.

۲۰. هیچ مقصدی وجود ندارد.

۲۱. زندگی را جدی نگیرید.

مقدمه

دنیای مدرن مقوله آموزش و پرورش را جدی قلمداد می کند. هرگز در تاریخ بشریت این همه منابع و اندیشه برای توسعه ی ذهن های نسل آینده اختصاص داده نشده بود. در همه ی کشورهای پیشرفته تا زمانی که یک انسان به سن بیست و یک سالگی نرسیده باشد، هیچ کاری جز مطالعه کردن ندارد. در خانواده های خردمند، تکالیف خانه از جایگاه مقدسی برخوردارند. ارتشی از معلمان و مربیان، کالج ها و مسئولین آموزشی گماشته می شوند تا از طریق دستگاهی به نام مدرسه به صنعت هنگفت جوانی کمک کنند. سیاستمداران هر طیف برای اثبات ارادت خود به امر آموزش از یکدیگر پیشی می گیرند. آزمایشات بزرگ اجباری حکومتی حکایت از قدرت تعیین کننده ی کل زندگی ما دارد. وحشتی را که دامن می زنند می توان تا ده ها سال پس از این رویداد احساس کرد. در موارد نادر، غم انگیز اما گویا، ممکن است احساس شود که اگر نمرات خوب نباشد، دیگر دلیلی برای زندگی کردن وجود ندارد.

با وجود همه ی این ها، کم پیش می آید که یک فرد بالغ متفکر پیدا شود که در سنین میانسالی یا جوانتر در لحظات بحرانی خاصی دوران مدرسه خود به طرز گیج کننده ای به یاد نیارد و فکر نکند که چرا با آن همه مطالعه، نظم و تعهد جدی، مجبور به سکوت شده اند. در تمام آن ساعاتی که در کلاس های درس نشسته ایم، چگونه مفاهیم اساسی یعنی مفاهیمی که برای یک زندگی خوب و

اندکی آبرومند بسیار مهم هستند، ازدستمان در رفتند؟ چطور زمان زیادی برای محاسبات ریاضی، دانستن چگونگی فرسایش لایه‌ی یخچالی، سیاست پادشاهی بورگوندی^۱ در ۱۴۰۰ میلادی، اشعار امیلی دیکنسون^۲ و معادلات مثلثاتی وجود داشت و در عین حال هیچ زمانی به حل معمای مقوله‌ی بزرگ شدن اختصاص داده نشد؟ چرا هیچ‌کس توضیح مختصری به ما نداد؟

در حال حاضر، این بحث به جایی نمی‌رسد. این بحث عمده‌تاً بر چگونگی نحوه ارائه‌ی بهترین آموزش به کودکان و نه مطالب آموزشی آنها متمرکز شده است. برنامه‌های درسی مدرسه بر اساس معضلات واقعی زندگی بزرگسالان طراحی نشده‌اند. موضوعات در چارت مدرسه و ارائه‌ی آن‌ها در طول هفته به هیچ وجه منعکس کننده‌ی آنچه واقعاً در آینده اتفاق خواهد افتاد نیست. این که زندگی یک دادگاه است و اگر این‌گونه نبود ما در مورد نحوه‌ی برخورد با معضل روابط، تنش‌های شغلی، ناراحتی‌های خانوادگی و وحشت از مرگ بسیار بیشتر از آنچه معلمان می‌آموزند می‌شنیدیم. در میان تعجب هریگانه‌ای، انسان‌ها با خوش خیالی به خود آموزش می‌دهند، گویی نیاز اصلی بزرگسالی در اختیار داشتن مجموعه‌ای از مهارت‌های فنی است، بدون درک این حقیقت که آنچه ما را به اوج می‌رساند عدم تسلط به جبر ماتریکس یا زبان فرانسوی نیست بلکه ناتوانی ما در تسلط بر آنچه که ابعاد احساسی زندگی نام دارد است یعنی درک خودمان، ظرفیت ما در برخورد با

1 -the Burgundian states

مجموعه وسیعی از پادشاهی‌های قدرتمند در قرن ۱۵ و ۱۶ در فرانسه

2 -Emily Dickinson

همسر آینده‌مان، فرزندان و همکارانمان، میزان اعتماد به نفسمان، کنترل آرامش و دلسوزی برای خودمان. شکست‌هایی که در این زمینه‌ها وجود دارند اطمینان از خیانت مکرر به بهترین امیدهای بشریت را تضمین می‌کنند، بسیار فراتر از چیزی که ممکن است در بهترین مدارس و دانشگاه‌ها اتفاق بیفتد.

وقتی می‌فهمیم چه چیزی باید می‌آموختیم، معمولاً دیر شده و بسیار ناامید کننده احساس می‌شود. ما با فروتنی فرض می‌کنیم که به سادگی ممکن نیست نوعی مهارت‌های احساسی را به خودمان آموزش دهیم که نداشتنشان هزینه‌ی سنگینی دارد، غیرممکن است که به کسی عشق یا خرد، رضایت و مهربانی آموزش دهیم. هزینه‌ی این نوع تردید بسیار زیاد است. این بدان معناست که هر نسل جدیدی باید از نو با مشکلاتی برخورد کند که از لحاظ تئوری در ذهن پیشینیان آنها حل شده است. هر جوان بار دیگر مجبور می‌شود گریه‌های شبانه بعد از یک جدایی، یافتن شغل یا برخورد با والدین آسیب دیده اما خوش نیت را خودش تجربه کند. ما خود را مجبور می‌کنیم چرخ را دوباره اختراع کرده و آتش را دوباره کشف کنیم. در مدرسه، تمرکز بر روی یخچال‌ها و قوانین حرکتی بهانه‌ای ناخواسته برای یاد نگرفتن قوانین مهربانی یا اصول هماهنگی خانواده می‌شود. یادگیری در مورد درگیری‌ها در دادگاه‌های اروپای اولیه مدرن ما را از یادگیری تاریخ خشم یا ناامیدی خود دور می‌کند.

اینجاست که مدرسه‌ی زندگی به عنوان یک محرک هم به نام خود و هم فعالیت‌های عملی‌اش خود را فریب می‌دهد: یک یادآوری برای این که وظیفه‌ی یک مدرسه باید بسیار فراتر از برنامه‌ی درسی مورد توافق کنونی باشد تا بتواند همه چیز را با قدرت در برگیرد و با قدرت زندگی بزرگسالی را خراب کند.

تأکید بر کلمه‌ی «فراموش شده» در عنوان این کتاب تصادفی نیست، توجه آن به روش‌های عمدتاً تصادفی است که سعی کرده‌ایم موضوعات مهم خارج از حوزه‌ی آموزشی مورد بحث قرار گیرند. توطئه‌ای در کار نیست که این کار را آسان‌تر می‌کند و فقط شکلی از سهل‌انگاری و به صورت کاملاً اتفاقی است. هیچ دلیل خوب یا جالبی وجود ندارد که چرا ما باید اینقدر صبر کنیم تا درس‌هایی را کشف کنیم که ممکن است چنین تغییری ایجاد کرده باشند و هم چنین نیازی نیست که هریک از ما در چنین تاریکی آن هم با وجود گزارش‌ها و نظریه‌های روشن سکندری بخوریم.

آنچه ما باید متحمل شویم اجتناب ناپذیر است، فرضیه‌ی مدرسه‌ی زندگی این است که مشکل فراتر از تصور ماست که بشود با انجام صحیح تکالیف خانگی قادر به دورزدن آن باشیم.